

منافع ملی و مصالح امت اسلامی

ابوالحسن بکتاش*

چکیده

اهدافی که «جمهوری اسلامی» در سطح امت اسلامی دنبال می‌کند، تعارضی با منافع ملی ندارد؛ چرا که منافع ملی در هر جامعه‌ای مبتنی بر ارزش‌های آن جامعه می‌باشد؛ همان ارزش‌ها و باورهایی که هویت ملی آن را شکل می‌دهد و در قالب ایدئولوژی، موجب انسجام آن جامعه می‌گردد، این ارزش‌ها، در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها برای وصول به اهداف ملی جهت‌دهنده است. این اهداف نیز از مؤلفه‌های مراتب منافع ملی بشمار می‌روند؛ از این روی، با توجه به مراحل و سطوح مراتبی که منافع ملی، نسبت به مؤلفه‌های خود دارد، می‌توان گفت؛ رویکردهای جمهوری اسلامی، نسبت به اقتضائاتی که در سطح امت اسلامی طلب می‌کند، با اهداف و منافع ملی، تعارض و منافاتی نخواهند داشت.

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی، منافع ملی، هویت ملی، ایدئولوژی، مصالح امت اسلامی.

مقدمه

از همان زمانی که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و نظام جمهوری اسلامی شکل گرفت، همواره عده‌ای^[1] تحمل نظام ارزشی اسلام در حوزه سیاست، به خصوص در عرصه سیاست خارجی را نداشتند و تاکنون نیز بر این دیدگاه اصرار دارند. آنها چنین اظهار می‌کنند که در سیاست خارجی، باید از اتخاذ هر گونه موضع «ایدئولوژیک» پرهیز کرد. آنان مدعی هستند که ساخت امت اسلامی، هویت‌ها و منافع ملی را از بین می‌برد؛ هم چنین، بر این باورند که اساساً محوریت دینی به جای ملی، خصلتی ایدئولوژیک دارد و نمی‌تواند با هویت ملی منطبق شود، به عبارتی می‌توان گفت؛ یکی از چالش‌های نظری در این عرصه، اختلاف دیدگاه‌هایی است که درباره جایگاه دین و رابطه آن با منافع ملی طبق دیدگاه آنان مطرح می‌شود؛ یعنی ارزش‌ها و اعتقادات دینی که در قالب ایدئولوژی، پاسخ‌های مثبتی به اقتضات امت اسلامی و یا جهان اسلام دارد، نمی‌تواند تأمین‌کننده منافع ملی ما باشد؛ از این‌رو، رویکرد نظام جمهوری اسلامی در دفاع از جنبش‌های اسلامی در منطقه، یک امر ایدئولوژیک به حساب می‌آید و در راستای مواضع ایدئولوژیک، در تحقق و ساخت امت اسلامی انجام می‌گیرد که با منافع ملی کشور، هیچ سازگاری ندارد. در پاسخ به این ادعا باید بگوئیم؛ از آنجا که منافع ملی چیزی جز تحقق ایده‌آل‌ها و آرمان‌های مطلوب یک جامعه نیست و این ارزش‌ها و آرمان‌ها از اهداف ملی آن به‌شمار می‌رود؛ از این‌رو، تعارضی در این باره وجود ندارد؛ چرا که ما معتقد هستیم؛ منافع ملی در یک جامعه اسلامی، با هویت ملی و دینی آن و نیز مواضع ایدئولوژیک آن کشور، ارتباط و پیوستگی دارد و نمی‌توان منافع ملی در یک جامعه اسلامی را منافی با مصالح امت اسلامی دانست، برای تبیین این موضوع چند مفهوم اساسی را در ابتدا توضیح داده و سپس به رفع تزاحم این دو مقوله می‌پردازیم.

مفهوم‌شناسی ایدئولوژی

ایدئولوژی عبارت است از نظام فکری که شکل و طرح کلی رفتار انسان را تعیین می‌کند و به عبارت دیگر، ایدئولوژی، یک سلسله آراء کلی هماهنگ درباره رفتارهای



انسانی است (مصباح یزدی، ج ۱، ص ۳). مطابق این تعریف، ایدئولوژی، اندیشه‌ای عمل‌زا است که می‌توان آن را به‌عنوان سیستم کلی احکام عملی دین [و یا یک جهان بینی] به حساب آورد (همان، ص ۲۹). ایدئولوژی، مقوله جامع و کامل‌کننده‌ای است که در اصطلاح قرآن «شریعت» نامیده شده است و به بیان دیگر، فلسفه زندگی انتخابی، آگاهانه، آرمان‌خیز و مجهز به منطق است؛ یعنی یک تئوری کلی، یک طرح جامع و هماهنگ و منسجم، که هدف اصلی آن کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است؛ از این‌روی، ما معتقدیم ایدئولوژی در جامعه، یک ضرورت‌گیریناپذیر است؛ زیرا اندیشه به محض آنکه به ساحت باید و نبایدها وارد می‌شود، خصلتی ایدئولوژیک به خود می‌گیرد، به همین دلیل حتی اندیشمندانی که از تنگناهای یک ایدئولوژی گریخته‌اند ناخودآگاه، پذیرای ایدئولوژی بسیط‌تری شده‌اند.

هویت ملی

«هویت» یکی از موضوعات اجتماعی است که وجود آن برای اجتماع و پیشرفت آن جامعه، ضرورت دارد. در حقیقت، شناخت از خود و جهان اطراف خود، لازمه پیشرفت و تعالی آن جامعه به حساب می‌آید و در مقابل، از خود بیگانگی و یا بحران هویت، از رسیدن جامعه به اهداف آرمانی خود و حرکت به سوی پیشرفت و تعالی جلوگیری می‌کند. در تعریف هویت گفته شده است، هویت ملی؛ یعنی روح مشترک و نامتغیر بین نسل‌های مختلف تاریخ یک ملت؛ چیزی که به دلیل نژادی، تربیتی، اقلیمی و ... دست به دست می‌شود و دو سر تاریخ یک ملت را به هم وصل می‌کند. این خصلت‌ها و خوی‌ها، با آنکه در ادوار تاریخی گوناگون شدت و ضعف می‌یابند؛ ولی همواره وجود دارند و از بین نمی‌روند. در تعریفی از هویت، آن را پاسخگویی آگاهانه هر فرد و قوم یا ملت به پرسش‌هایی می‌دانند که از خود دارد؛ که بوده؟ چه بوده؟ کجا بوده؟ و چه هست؟ این هویت، مجموعه ویژه‌ای از عوامل عینی و ذهنی و فرهنگی است که در اعضای یک ملت تجلی می‌یابد و از سایر ملتها متمایز می‌کند، و به عبارتی هویت چارچوبی پویاست که بیشتر شکلی از آگاهی به خود، به جامعه، به فرهنگ، به تاریخ و به آینده را القا می‌کند البته شهید مطهری رحمته‌الله معیار ارزش‌ها، گرایش‌ها و دانش‌هایی را که





ملت‌ها می‌پذیرند و پس از چندی در تحول تاریخی و سیر تکاملی و رشد این ملت‌ها تبدیل به مفهوم هویت ملی می‌شود، راه مشروط به پذیرش آن عناصر، از روی رغبت، آزادی و اختیار می‌داند (رک. مطهری، ۱۳۸۳، ج ۱۴، ص ۶۷)، که این نگاه دربارهٔ هویت ملی و نیز توجه به دخالت عنصر آزادی و اختیار در پذیرش آن، بسیار ارزنده است.

منافع ملی

«منافع ملی» همواره تعیین‌کننده تصمیمات و سیاست‌گذاری‌ها، از جمله سیاست خارجی کشورها محسوب می‌شود و از عناصر کلیدی و حیاتی آن به‌شمار می‌آید. بعضی آن را در حفظ موجودیت، استقلال، تمامیت ارضی و امنیت خلاصه می‌کنند (عامری، ۱۳۷۰، ص ۱۷۶). البته نباید منافع ملی را به این چند مؤلفه محدود کرد، بلکه باید آن را شامل حیطهٔ وسیعی از اهداف همچون؛ توسعه اقتصادی، منطقه نفوذ، دفاع از ارزش‌ها و نیز دفاع از اتباع خود در خارج از مرزها و... می‌شود، تا جایی که منافع ملی را «هدف‌های عام و ماندگاری که یک ملت برای دستیابی به آنها تلاش می‌کند» (روشندل، ۱۳۷۴، ص ۳۸) دانسته‌اند، که بدون تردید با این تعاریف، منافع ملی، محدود به حفظ موجودیت، استقلال، تمامیت ارضی و امنیت نمی‌شود؛ بلکه هر آن چه که جزیی از اهداف ملی به شمار می‌رود را شامل می‌شود و این بسط و گستره منافع ملی به این دلیل است که اولاً، مفهوم منافع ملی دارای بار ارزشی است و هر یک از دولت‌ها، دارای برداشت خاصی از منافع ملی می‌باشند؛ ثانیاً، رابطه مستقیمی میان حوزهٔ اطلاق منافع ملی و میزان برخورداری دولت‌ها از قدرت و توانایی وجود دارد؛ یعنی با افزایش قابلیت‌های نظام، امکان دارد، تعریف مجددی از هدف‌ها و منافع ملی به عمل آید، ثالثاً، منافع ملی، براساس ویژگی‌های ساختاری و مختصات نظام ایدئولوژیک، تعبیر و تفسیر می‌شود (علی‌بابایی، ۱۳۸۷، ص ۳۲۴).

مصلحت

«مصلحت» به معنای سودجویی و منفعت‌طلبی است که در کلام محاوره‌ای، از آن به مصلحت‌اندیشی و یا مصلحت‌جویی تعبیر می‌کنند؛ لکن معنا و کاربرد صحیح کلمه و مفهوم مصلحت، زمانی است که در مقابل و در تضاد با کلمه و مفهوم مفسده قرار گیرد. باید توجه داشته باشیم که تمامی اوامر و نواهی خداوند و امور شرعیه، دارای مصلحت و برای رفع و برداشتن مفسده است؛ مصلحت آن است که در میان تزاحم و تعارض دو امر، جانب امر حیاتی و در میان اهم و مهم نیز، جانب اهم را گرفتن است و یا به عبارتی، مصلحت معنایی را که به حق سزاوارتر است گویند؛ یعنی ما انسان‌ها، آنچه که دربارهٔ تحقق حق، ممکن و سزاوارتر است را انجام بدهیم. این مصلحت، به معنای هر آن چیزی است که «خیر اکثر» و «کمال اتم» را برای انسان به ارمغان بیاورد، بنابراین اگر عملی منجر به تحقق خیر و کمال اکثر گردید، موافق مصلحت و در غیر این صورت، مخالف آن خواهد بود، البته این معنای مصلحت، با آن معنای مصلحت‌جویی و مصلحت‌اندیشی که در کلام محاوره‌ای بکار می‌رود فرسنگ‌ها تفاوت دارد.

امت اسلامی

واژه «امت» از ماده «ام» به معنای قصد است، یأْمٌ لِلْهَدَفِ : قصد می‌کند به سوی هدف، ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾ (انبیاء: ۹۲) امت در قرآن، به معنی جمعی است که جهت واحد دارند و منظور جماعتی است که افراد آن دارای یک مقصد و یک هدف باشند و برای این مقصد واحد، رابطهٔ واحدی میان افراد برقرار باشد (طباطبائی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۸۵). امت به معنای خاص آن، عبارت است از: گروهی از مردم که باور به ارزش‌های مشترکی، آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد که در رهبری یکپارچه و نظامی منسجم برای زندگی، بیکره می‌یابند (اراکی، ۱۳۹۷، ص ۱۳). البته برخی امت را جامعه‌ای می‌دانند که زیر پرچم هدایت یک پیامبر باشند و طبق این نگاه، «امت» در اصطلاح، به جماعتی از مردم گفته می‌شود که خداوند، برای آنان پیامبری مبعوث کرده و آنان به او ایمان آورده‌اند و از این‌رو، با خداوند پیمان بسته و



با او ارتباط یافته‌اند؛ خدای متعال می‌فرماید: ﴿وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ﴾ (مؤمنون: ۵۲)؛ این امت شما، امت واحدی است و من پروردگار شما هستم، پس از (مخالفت فرمان) من بپرهیزید.

تطبیق منافع ملی و هویت دینی

به منظور تبیین مباحث و چالش‌هایی که در رابطه با منافع ملی و ایدئولوژیک بودن سیاست‌گذاری‌ها در جمهوری اسلامی مطرح می‌شود، در ابتدا منافع ملی را از دو منظر مورد مطالعه قرار می‌دهیم از یک سو دیدگاهی است که براساس مفاهیم هنجاری، منافع ملی را مجموعه‌ای از ایده‌آل‌ها و آرمان‌های یک کشور می‌داند و از منظر دیگر دیدگاهی است که با یک نگاه توصیفی و بدون توجه به ارزش‌های یک جامعه، منافع ملی را بر مصادیق عینی و واقعی منطبق می‌کند. منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، همانند دیگر کشورها از دو دسته از عناصر مادی و معنوی تشکیل شده‌اند؛ منابع مادی به معنای شرایط یا امتیازات ملموس و عینی، مانند تمامیت ارضی و توسعه اقتصادی است و عناصر معنوی آن شامل ارزش‌هایی مانند فرهنگ، استقلال، حاکمیت ملی و ایدئولوژی یا نظام ارزشی است. در این میان، آنچه که در این خصوص باید مورد توجه قرار گیرد، ارتباط و به هم پیوستگی منافع ملی با هویت ملی در یک جامعه است. به گونه‌ای که منافع ملی، نه تنها جدا از هویت ملی یک جامعه نیست، بلکه اساساً، شناخت منافع ملی، مبتنی بر شناخت همین هویت می‌باشد، به عبارت دیگر منافع ملی در یک جامعه، با هویت ملی آن تعریف می‌شود و درک منافع ملی یک کشور، مستلزم درک هویت ملی و برآمده از ارزش‌های یک جامعه است. این هویت مجموعه‌ای از ارزش‌های انسانی و دینی است که مردم آن را باور دارند و با آن رفتار خود را شکل داده‌اند، بدون تردید نمی‌توان منافع ملی را دور از هویت و ارزش‌های مردم آن ملت دانست، چنانکه مقام معظم رهبری فرمودند: «آن وقتی منافع، واقعاً منافع ملی هستند که با هویت ملت در تعارض نباشند» (مقام معظم رهبری، ۹۶/۲/۲۲). «منافع ملی بایستی با هویت ملی تطبیق داده بشود، نه اینکه هویت ملی، تابع منافع ملی قرار بگیرد» (همان)، «هویت





ملّی ما چه جوری تعریف می‌شود؟ ما ملّتی هستیم مسلمان، ریشه‌دار در تاریخ، و انقلابی؛ این هویت ما است. مسلمانی ما، عمق تاریخی ما و انقلابی بودن ما سه عنصر اصلی است که هویت ملّت ما را تشکیل می‌دهد» (همان)؛ به بیان دیگر، هویت ملّی با فرهنگ، گره خورده است و فرهنگ یک جامعه، به خصوص جامعه ما، آمیخته‌ای از باورها و ارزش‌های انسانی و دینی و رفتارهای برآمده از آن است که هویت ملّی مردم ما را شکل داده است. بنابراین باید توجه داشت که تنها عوامل مادی نمی‌تواند هویتی جمعی که همان هویت ملّی است را پدید آورد؛ چرا که هویت جمعی، باید بار فرهنگی داشته باشد، برای مثال؛ منافع اقتصادی مشترک نمی‌تواند این هویت را ایجاد کند؛ زیرا هیچ‌کس حاضر نیست تنها به دلیل منافع اقتصادی، از سرزمین خود دفاع کرده و جان خود را به خطر اندازد، یا هیچ‌کس حاضر نیست که منحصرأً به دلیل منافع حقوقی، با دیگری به وحدت و یگانگی برسد، به گونه‌ای که در راه آن بجنگد و از جان، مایه بگذارد، پس آنچه وجه اساسی هویت را می‌سازد، منافع مادی و اقتصادی نیست، بلکه ابعاد معنوی به طور جدی از عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری هویت هستند؛ بنابراین، فرهنگ را باید مهم‌ترین و غنی‌ترین منبع هویت دانست؛ زیرا فرهنگ، توانایی چشمگیری در تأمین نیاز انسان‌ها به متمایز بودن و ادغام شدن در جمع دارد؛ به بیان دیگر، فرهنگ، منبعی تفاوت‌آفرین و در عین حال، انسجام‌بخش است و شیوه زندگی خاصی را می‌سازد که نه تنها امکان هویت‌یابی را فراهم می‌کند، بلکه به زندگی انسان‌ها نیز معنا می‌دهد، چنانکه امام خمینی علیه السلام فرمودند: «اساساً فرهنگ و جامعه، هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد...» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۵، ص ۲۴۳). البته سخن در این‌جا، معطوف به فرهنگ دینی است که بدون تردید، فرهنگ اسلامی و خصوصاً شیعی به حدی در ایران در طول اعصار ریشه دوانده است که می‌توان گفت جزئی از هویت این مرز و بوم شده است. استاد شهید مرتضی مطهری علیه السلام در این رابطه می‌گوید: «هویت فرهنگی یک ملت، آن فرهنگی است که در جانش ریشه دوانیده است و هویت ملّی این مردم، اسلام است...» (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۹۳). به همین دلیل می‌توانیم بگوئیم: در هویت ملّی، فرهنگ، نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند و هویت ملّی هر جامعه،



مطابق فرهنگ حاکم بر آن جامعه می‌باشد و آنچه که در فرهنگ جامعه ما بیشتر نمایان است، اسلامی بودن آن است، بدین خاطر که فرهنگ ایرانی با ورود فرهنگ اسلامی به تکامل رسید و بهترین گرایش‌ها و رفتارها و... را در فرهنگ خود جای داد؛ زیرا عالی‌ترین و کامل‌ترین فرهنگ‌ها، فرهنگ الهی و اسلامی است. فرهنگ اسلامی، دارای جنبه‌های ارزشی فرا مکانی، فرا زمانی و فرا منطقه‌ای است و نکته اساسی این است که با ورود اسلام به ایران و پذیرش فرهنگ اسلامی از سوی مردم ایران و تکوین فرهنگ ایرانی - اسلامی این فرهنگ جای بسیاری از نظایر خود در سنت کهن پیش از اسلام را گرفت. و هویت ایرانی و اسلامی چنان در هم آمیخته شد که هرگاه از هویت ملی، سخن به میان می‌آید، ناگزیر، هویت اسلامی نیز مطرح می‌شود. و به عبارتی، در هویت ملی، هویت اسلامی نهفته است. البته تأکید بر یکی از این هویت‌ها به معنی نفی دیگری نیست؛ لکن بر کسی پوشیده نیست که هویت فرهنگی یک ملت، آن فرهنگی است که در جانش ریشه دوانیده است و هویت ملی این مردم، اسلام است.

بر همین اساس، با توجه به منافع ملی، نمی‌توان این هویت برآمده از ارزش‌های دینی را نادیده انگاشت و بدون ملاحظه آن، منافع ملی را با مؤلفه‌هایی بیگانه از آن ترسیم کرد؛ زیرا همین ارزش‌ها و باورها، اگر به صورت «برنامه عمل و یا باید و نبایدهایی در تصمیم‌گیری» مطرح شوند، در واقع، همان ایدئولوژی می‌باشند که جامعه را منسجم نموده و اهداف آن را معین کرده‌اند و به عبارتی، آن را تعیین جهت داده‌اند که این امر، برای هر جامعه‌ای ضروری است و این همان نکته اساسی است که امام خمینی علیه السلام درباره آن تأکید کردند و فرمودند: «در سایه اسلام، ما می‌توانیم مملکت خودمان را حفظ کنیم» (امام خمینی، ۱۳۸۸، ص ۳۵).

از طرفی دیگر، چون دین و ارزش‌های آن، باعث تقویت معنویت و روحیه ملی، انسجام اهداف و استراتژی‌ها و وحدت ملی و گسترش حوزه مشروعیت نظام سیاسی می‌شود، بدون تردید، می‌تواند به‌عنوان یکی از گزینه‌های اساسی در جهت حفظ منافع ملی یک کشور محسوب گردد، چنانکه پیش از این گفتیم؛ منافع ملی هر کشور با توجه به موقعیت، فرهنگ و ویژگی‌های خاص همان کشور تعریف می‌شود، و مصلحت و منفعت ملی یک کشور که مردم آن خواهان اجرای احکام دینی و ارزش‌های آن



می‌باشند، قطعاً ایجاب می‌کند تا دولتمردان آن کشور نیز، ارزش‌های دینی را به‌عنوان بُعدی از ابعاد گسترده منافع ملی کشور خود پاس دارند، این نکته آن چیزی است که افرادی چون «هانس مورگنتا» به‌عنوان یک رئالیست صاحب‌نظر در مسائل و روابط بین‌الملل، به آن توجه کرده و معتقد است که منافع ملی آمیزه‌ای از آرمان‌های یک کشور است که توسط حکومت‌ها تدوین و اجراء می‌شود (کازمی، ۱۳۷۲، ص ۱۱۱). از این روی، اگر منافع ملی را براساس اصول و ارزش‌های حاکم بر هویت ملی یک کشور تعریف نمائیم، می‌توانیم درک درستی از ارزیابی بسیاری از اقدامات فرامرزی جمهوری اسلامی داشته باشیم و چرایی بسیاری از تصمیمات راهبردی آن - به خصوص درباره امت اسلامی - را به شیوه درست و منطقی تحلیل کنیم.

تطابق منافع ملی و مصالح امت اسلامی

وقتی از منافع ایران اسلامی سخن به میان می‌آید، مقصود، تنها جغرافیا و خاک نیست، چرا که این مشخصه‌ها برای دولت‌هایی با کمتر از یک دهه سابقه حیات، قابل تعریف است و علاوه بر این شاخصه‌ها، شاخصه‌های دیگری از جنس هویتی و تمدنی نیز از جمله منافع یک ملت می‌باشد. در این میان تنها حفظ و صیانت از مرزهای جغرافیایی و زمینی این مرز و بوم مطرح نیست، بلکه حفظ امنیت وجودی ما، که یکی از مؤلفه‌های منافع ملی به شمار می‌رود و حراست از کیان هویتی و تمدنی ایران اسلامی مطرح است. علاوه بر اینها، اسلام و انقلاب اسلامی نیز بافت هویتی ایران را پرمعناتر کرده است؛ بنابراین حفظ منافع ملی ما علاوه بر شاخصه‌های حیاتی آن، همچون؛ تمامیت ارضی، امنیت و...، یقیناً در قالب حفظ و حراست از هویت ملی، دینی و انقلابی ما معنا می‌یابد، از این روی، توجه به مصالح امت اسلامی و رویکرد ایدئولوژیک در عرصه سیاست را منطبق بر منافع ملی می‌دانیم.

گرچه آرمان نهایی اسلام درباره مناسبات انسانی، رسیدن به امت واحد بشری است و در همین راستا، مصالح امت اسلامی از اهمیت بالایی برخوردار است؛ لکن نکته اساسی این است که به میزان اهمیت و به نسبت دسترسی به این مقاصد، باید اهداف مورد نظر را رتبه‌بندی کرد؛ از این روی، منافع ملی در سه سطح «منافع وجودی و حیاتی»، «منافع



مهم و اساسی» و «منافع جهانی» رتبه بندی می‌شود و از این منظر می‌بایست برای دستیابی و حفظ آن کوشید. «منافع وجودی و حیاتی» مانند استقلال سیاسی و تمامیت ارضی را ارزش‌هایی بدانیم که بقاء و ادامه حیات کشور، به آن بستگی دارد و بدون آنها، موجودیت کشور در معرض خطر قرار می‌گیرد. «منافع اساسی» آن دسته از ارزش‌هایی هستند که با وجود اهمیت زیاد، قابل مصالحه هستند، از جمله: توسعه و پیشرفت اقتصادی و برخورداری از فناوری‌های روز دنیا. در نهایت «منافع جهانی» مصالح امت اسلامی و نیز حضور و عضویت در مجامع جهانی را در برمی‌گیرد.

همانگونه که اشاره کردیم، منافع ملی از نظر دسترسی به مقاصد و نیز از نظر اهمیت آن، دارای سطوح و مراتبی است و با توجه به این که مصالح امت اسلامی در اهداف ملی و ارزش‌های انسانی و اسلامی ما تعریف می‌شود، از منافع ملی شمرده شده و می‌تواند با سطوح دیگر منافع ملی تزامنی نداشته باشد، چرا که این سطوح، به میزان دسترسی و «قدر مقدور» دیده شده‌اند و در مرتبه خود، قابل تحقق بوده و در این مرتبه با سطوح دیگر مزاحمتی ندارند؛ البته آن چه که درباره منافع ملی نباید غفلت نمود، این است که جهت‌گیری تصمیم‌گیری‌ها نسبت به تأمین اقتضائات امت اسلامی برخاسته از ارزش‌های ملت بوده و در جامعه ما از ارزش‌های انسانی و دینی محسوب گردیده و در حقیقت، بخشی از قوام دهنده هویت ملی ما می‌باشند و در راستای دستیابی به اهداف ملی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های منافع ملی به شمار می‌آیند. البته در امکان رفع تزامن بین انتظارات و خواسته‌ها و آنچه را که برخی از مصالح طلب می‌کند تردیدی وجود ندارد؛ زیرا آن چه ملاک عمل قرار می‌گیرد، با توجه به «اصل قدر مقدور» است، برای تبیین این موضوع لازم است اشاره نمائیم که نظام جمهوری اسلامی، برای حفظ منافع ملی به خصوص برای رسیدن به اهداف ملی، برای تصمیم‌گیری عقلانی، به اصول و قواعدی توجه داشته و دارد، چنانکه برای حفظ منافع ملی، توجه به اصل «تقدم اهم بر مهم» لازم است که این اصل درباره حفظ نظام و ام‌القرای اسلام، جاری است، همانطور که امام خمینی علیه السلام، درباره اهمیت بالای حفظ نظام فرمودند: «مسئله حفظ نظام جمهوری اسلامی در این عصر و با این وضعی که در دنیا مشاهده می‌شود... از اهم واجبات عقلی و شرعی است که هیچ چیز به آن



مزاحمت نمی‌کند و اقتدار و اعتبار جمهوری اسلامی ایران متعلق به همه ملت‌های اسلامی است و دفاع از ملت قهرمان و دلاور ایران در حقیقت دفاع از همه ملت‌های تحت ستم است» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰، ص ۳۴۵). و نیز می‌فرماید: «اصل؛ منافع ملت ایران است که باید به بهترین وجه رعایت شود» (همان، ج ۵، ص ۴۷۴). یا در جای دیگر می‌فرماید: «...سیاست خارجی ما باید بر مبنای حفظ آزادی، استقلال و حفظ مصالح و منافع ملت ایران باشد» (همان، ج ۴، ص ۴۱۴). این نشان می‌دهد در سیاست‌گذاری‌ها و نیز در عرصه عمل، چه در سیاست داخلی و چه سیاست خارجی، رعایت سطوح، مراحل و یا مراتب منافع ملی لازم است و این مهم، منافاتی با اهداف و آرمان‌های انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ندارد.

هم‌چنین با توجه به اصل «عمل به قدر مقدور» می‌توان گفت: هرکسی به میزان توانش تکلیف دارد و باید به آن عمل کند ﴿لَا يَكْفِيكَ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وَسْعَهَا﴾ (بقره: ۲۸۶). برای همین امام خمینی علیه السلام فرمودند: «همه ما و همه کشور... مکلف هستیم، منتها، هرکس به مقداری که مقدور است» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۵، ص ۱۰۸). در همین راستا برای دستیابی به اهداف ملی، اصل «تدریج» یا همان اصل تدریجی بودن امور، مورد اهمیت قرار می‌گیرد، امام خمینی علیه السلام با توجه به اصل «عمل به قدر مقدور» است که می‌فرماید: «ما دفاع از همه مسلمین را لازم می‌دانیم» (همان، ج ۱۹، ص ۴۸۵) و با ملاحظه اصل تدریجی بودن امور می‌فرماید: «دفاع از بلاد مسلمین و دفاع از همه حیثیات مسلمین امری است لازم و ما باید خودمان را برای مقاصد الهی و دفاع از مسلمین مهیا کنیم» (همان، ج ۲۰، ص ۴۸۶). «من به صراحت اعلام می‌کنم که [در] جمهوری اسلامی ایران، با تمام وجود، برای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کنیم... ما اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی ایران، برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است» (همان، ج ۲۱، ص ۹۱).

در تبیین مبنا ارتباط منافع ملی و مصالح امت اسلامی و احیاناً تزاحم بین این دو، نکته دیگری که باید توجه داشت این است که، ارزش‌ها و قواعد دینی در اسلام، به دو گونه قابل تقسیم هستند؛ یعنی همانگونه که نیازهای انسان به دو بخش



«ثابت» و «متغیر» تقسیم می‌شوند، ارزش‌ها و قواعد دینی در اسلام نیز به دو گروه قابل تقسیم می‌باشند؛ برخی از آنها تحت عنوان «احکام ثابت» و برخی دیگر تحت عنوان «احکام متغیر» می‌باشند، در واقع، همان مقررات متغیر و هماهنگ با شرایط و ضرورت‌های زمانی و مکانی هستند که حاکم اسلامی در هر عصر می‌تواند در راستای اجرای ارزش‌های دینی، بر حسب ضرورت‌های اجتماعی، آن را وضع نماید و به تناسب همین ثابت و متغیر بودن احکام و اختیارات حاکم اسلامی و نیز با توجه به سطوح و مراتب منافع ملی می‌توان منافع ملی را با مصالح امت اسلامی سازگار نمود، همانگونه که اشاره کردیم، گاهی حفظ نظام اسلامی ایجاب می‌کند که اجرای بعضی از احکام و ارزش‌ها، به نحوی متأخر باشد، البته این امر، با توجه به گره خوردن سرنوشت و نظام جمهوری اسلامی با حفظ دین اسلام می‌باشد، از این روی، حضرت امام خمینی رحمته‌الله، حفظ نظام را همپایه با حفظ اسلام و به‌عنوان ارزش برتر معرفی کرده و ضمن اشاره به این که حفظ اسلام یک فریضه‌ای است بالاتر از تمام فرایض است می‌فرماید: «حفظ این جمهوری اسلامی از اعظم فرایض است» (همان، ج ۱۵، ص ۳۲۹) و چنانکه پیشتر آوردیم، ایشان بر این نکته تأکید دارند که «حفظ نظام جمهوری اسلامی در این عصر و با این وضعی که در دنیا مشاهده می‌شود، از اهم واجبات عقلی و شرعی است که هیچ چیز با آن مزاحمت نمی‌کند» (همان، ج ۱۹، ص ۱۰۶). این ملاحظات می‌تواند گویای این مهم باشد که در فرض تزام ارزش‌های دینی و یا به اصطلاح ایدئولوژیک با دیگر گزینه‌های اساسی منافع ملی، در واقع این تزام به معنای تزام اجزاء یک مجموعه با یکدیگر خواهد بود که با توجه به تقدم و تأخر مراتب و سطوح آن، باید در جهت رفع این تزام و یا تقدم یکی بر دیگری اقدام نمود؛ یعنی در مراکز تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری باید بررسی شود، کدامیک از این اهداف در سطح «منافع وجودی و حیاتی» است و کدامیک از آن در سطح «منافع مهم و اساسی» و کدامیک در سطح «منافع جهانی» می‌باشد و شاید دلیل اختلاف تعابیر، در برخی کلمات امام خمینی رحمته‌الله، هم در همین اختلاف مراتب و سطوحی است که به آن اشاره کردیم که جمع آن، در رعایت تقدم و تأخر همین مراتب و سطوح می‌باشد که می‌تواند در جهت رفع برخی تزامها مؤثر باشد.

نتیجه‌گیری

پس از آشنایی با مباحث مطرح شده منافع ملی، برآمده از هویت ملی مردم آن سرزمین می‌باشد و نمی‌توان منافع ملی را دور از هویت و ارزش‌های آن مردم دانست، ارزش‌ها و باورهایی که فرهنگ و هویت یک جامعه را شکل می‌دهد، اگر به صورت برنامه عملی و یا باید و نبایدهای جامعه مطرح شود، در واقع همان ایدئولوژی است که جامعه را منسجم می‌کند و برای هر جامعه‌ای ضروری است؛ برخلاف برخی که معتقد هستند در سیاست داخلی و خارجی نباید بر اساس اصول ایدئولوژیک تصمیم‌گیری شود؛ سیاست‌گذاری‌های یک کشور می‌تواند همزمان هم، ایدئولوژیک باشد و هم منافع ملی آن کشور و نیز مصالح امت اسلامی را با توجه اولویت‌ها تأمین نماید؛ چرا که منافع ملی، در واقع برخاسته از ارزش‌های یک ملت می‌باشد که در جامعه ما به‌عنوان ارزش‌های انسانی و دینی، قوام دهنده هویت ملی ماست و تحقق این ارزش‌ها جزئی از اهداف ملی است که دستیابی به آن، یکی از مؤلفه‌های منافع ملی به شمار می‌رود، در عین حال منافع ملی از حیث اهمیت، دارای سطوح و مراتبی است و مصالح امت اسلامی با آن که جزئی از اهداف ملی و ارزش‌های انسانی و اسلامی ما تعریف می‌شود؛ ولی در سطح و در مرتبه مختص به خود قرار دارد و در رتبه منافع حیاتی کشور نبوده و از این روی، با آن تزامنی ندارد. در نتیجه مصالح امت اسلامی و نیز برخورداری حکومت از ایدئولوژی، موجب نمی‌گردد تا منافع حیاتی را فدای مراتب بعدی آن نمائیم و تردیدی نیست که در تزامن بین انتظارات و خواسته‌های امت اسلامی و آنچه که برخی از مؤلفه‌های منافع ملی، آن را طلب می‌کند، به «اصل قدر مقدور» عمل می‌شود. همچنین نظام جمهوری اسلامی ایران، اگر چه بر اساس مبانی و پایه‌های اسلامی استوار شده است؛ لکن بسیاری از عناصر منافع ملی، با توجه به همین مبانی و ارزش‌ها مورد تقویت قرار گرفته است.

پی‌نوشت

[۱] کاظم علمداری، تخریب منافع ملی با توهم ساخت امت اسلامی، سایت ایران

گلوبال؛ <http://www.iranglobal.info>





فهرست منابع

۱. اراکی، محسن، *نظریه حکم در اسلام*، ترجمه سید امید مؤذنی، تهران: دانشگاه مذاهب اسلامی، ۱۳۹۷.
۲. جمعی از مؤلفان، *مؤلفه های هویت ملی در ایران*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۱.
۳. خمینی، روح الله، *کلمات قصار*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۸.
۴. _____، *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۸.
۵. دهشیری، محمدرضا، *درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی علیه السلام*، تهران: اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰.
۶. روشندل، جلیل، *امنیت ملی و نظام بین المللی*، تهران: سمت، ۱۳۷۴.
۷. طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۲.
۸. عامری، هوشنگ، *اصول روابط بین الملل*، تهران: آگاه، ۱۳۷۰.
۹. علی بابایی، غلامرضا، *فرهنگ روابط بین الملل*، چاپ پنجم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۸۷.
۱۰. قاسمی، محمدعلی، *دیالکتیک امت و ملت در آراء امام خمینی علیه السلام*، فصلنامه مطالعات راهبردی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، شماره سوم، (۴۹)، پائیز ۱۳۸۹.
۱۱. کیانی، داود، *منافع ملی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۶.
۱۲. کاظمی، علی اصغر، *روابط بین الملل در تئوری و عمل*، تهران: قومس، ۱۳۷۲.
۱۳. مصباح یزدی، محمدتقی، *ایدئولوژی تطبیقی*، قم: مؤسسه در راه حق، ۱۳۶۱.
۱۴. مطهری، مرتضی، *انسان و ایمان*، تهران: صدرا، ۱۳۷۱.
۱۵. _____، *پیرامون انقلاب اسلامی*، تهران: صدرا، ۱۳۸۰.
۱۶. _____، *خدمات متقابل اسلام ایران*، مجموعه آثار (۱۴)، تهران: صدرا، ۱۳۸۳.
۱۷. نخعی، هادی، *توافق و تزاحم منافع ملی و مصالح اسلامی*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۶.